

به سمت بالا را در عرضه پول ایجاد کند.

یافت. تعادل بازار پول به صورت زیر است: $M=P.L(i,y)$

از آنجایی که $L(i,y)$ به صورت ناپیوسته افزایش پیدا می‌کند و P نمی‌تواند افزایش یابد، بنابراین، M باید افزایش یابد تا قانون تورم حفظ شود، ولی این افزایش در موجودی پول باید آهسته‌تر از قبل صورت گیرد.

بنابراین، سیاست پولی که با یک کاهش دائمی در تورم همراه است، برای رسیدن به رشد پایین باید یک جهش ناگهانی

مساخذ

Advanced Macro Economics/ David Romer/
University of California, Berkeley/ Mc - Graw - Hill -
International Edition 2001/ Page 471-74

استراتژی تعیین نرخ سود سپرده‌های بانکی در کشور

یونس سام دلیری

آن است که سیاست‌های نرخ سود بانکی و اصلاحات مالی باید در چارچوب برنامه‌های تعدیل اقتصادی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. به نظر می‌رسد که اگر محیط اقتصادی بی‌ثبات (که به طور منفی بر سودآوری بخش خصوصی تأثیر می‌گذارد) و نظارت بانکی غیر مؤثر باشد، بهتر است که تعدیل در نرخ سود بانکی به تدریج صورت گیرد. در غیر اینصورت، تغییر ناگهانی در سیاست‌های نرخ سود می‌تواند قراردادهای مالی درازمدت را از هم بگسند. اگر دولت سیاست‌های اقتصادی قوی را دنبال می‌کند تا ثبات اقتصادی و تقویت مجدد بخش خصوصی را برقرار نماید، باید دقیقاً بر نظام بانکی نظارت کند تا خطر رفتاری را به حداقل برساند. در واقع، اهمیت سیاست‌های مربوط به مقررات و نظارت قوی بانکی باید مورد تأکید واقع شوند.

مقدمه

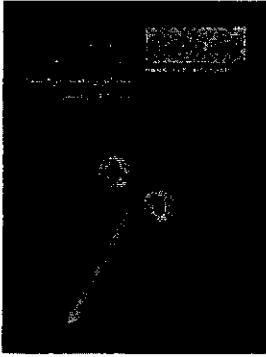
اتخاذ سیاست‌های درست نرخ سود را می‌توان از بحث انگیزترین راهبردهای تعدیل اقتصادی در برنامه سوم تلقی کرد. اگرچه برنامه‌های آزادسازی مالی، حذف کنترل‌های نرخ سود و دستیابی به نرخ سود واقعی، اثر مثبت و غیرقابل انکاری بر روی سپرده‌های بانکی و اعتبارات اعطایی توسط نظام بانکی خواهد داشت، اما به نظر می‌رسد که در حال حاضر، در مورد بهترین راهبرد برای رسیدن به این مقاصد توافقی وجود ندارد. آیا نرخ‌های سود بانکی باید به تدریج و یا در یک مدت کوتاه به طور ضربتی تعدیل شود؟ قبل از تعدیل نرخ‌های سود، چه شرایطی مورد نیاز است؟ آیا این سیاست‌ها برای کشور ایران که دارای تورم دو رقمی است، در مقایسه با کشورهایی که تورم پایینی دارند، باید به صورت یکسان عمل شود؟ و سرانجام، سیاست‌های مربوط به بانکداری، امور نظارتی و مقرراتی چه اهمیت و جایگاهی در این مجموعه (اقتصاد) دارند، آنهم در حالیکه در این مجموعه ساز و کار مناسبی برای دستیابی به نرخ‌های سود واقعی وجود ندارد؟ بدیهی است که تأکید تجربی بسیاری از کشورهای در حال توسعه بر اهمیت وضعیت اولیه اقتصادی، به خصوص وضعیت مالی بخش خصوصی و کیفیت مقررات وضع شده توسط سیاستگذاران اقتصادی مهم خواهد بود.

تجربیات کشورهای در حال توسعه در بیش از دو دهه موید

مقایسه بازارهای مالی رسمی با بازار مالی غیررسمی

ناهمگونی، فعال نبودن و عقب افتادگی بخش مالی اقتصاد کشور را می‌توان هم از طریق برخی شاخص‌های کلی اقتصادی نمایش داد و هم از طریق برخی اطلاعات در دسترس راجع به ساختار بازارهای مالی ایران. مقایسه اختلاف میان عرضه و تقاضای وام در بخش رسمی بازارهای مالی از یک سو، و همچنین، مقایسه تفاوت میان نرخ‌های سود در دو بخش رسمی و غیررسمی بازارهای مالی از سوی دیگر، می‌تواند وجود

○ تجربیات کشورهای در حال توسعه در بیش از دو دهه مؤید آن است که سیاست‌های نرخ سود بانکی و اصلاحات مالی باید در چارچوب برنامه‌های تعدیل اقتصادی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند.



بخش خصوصی و پدیده فرار سرمایه‌ها به خارج و همچنین، انجام سرمایه‌گذاری‌های کوچک و پراکنده داخلی در کالاهای بادوام (مانند اتومبیل و ...) به جای تولید شده است. از سوی دیگر، طبق مطالعات موجود، نرخ بازدهی منفی بر سپرده‌های بانکی، عامل اصلی کاهش تقاضا برای نقدینگی است. بنابراین، برای معکوس کردن روند کاهش تقاضای واقعی پول، سیاست منطقی همانا مثبت کردن نرخ سود واقعی سپرده‌های بانکی است و به نظر می‌رسد که تحقق این هدف از طریق کاهش نرخ تورم و افزایش سود سپرده‌های بانکی میسر باشد. از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌های در ایران، مساله پایین بودن نرخ بهره بانک‌ها در مقایسه با شاخص تورم^(۱) است، به طوری که طی سالیان متمادی در کشور تورم از رشدی فراتر از نرخ سود سپرده‌های بانکی برخوردار بوده است. جدول زیر نشان می‌دهد که طی حدود یک دهه، نرخ سود واقعی سپرده‌های بانکی منفی بوده است.

همانطور که در این جدول ملاحظه می‌شود، نرخ سود واقعی فقط در سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ مثبت بوده و در بقیه سال‌ها نرخ سود واقعی منفی بوده است. حال این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا نرخ سود واقعی در سال‌های مزبور می‌تواند از نظر اقتصادی برای سرمایه‌گذاری توجیه منطقی داشته باشد؟ به عبارت دیگر، این نرخ سودها با الترناتیوهای دیگر سرمایه‌گذاری و به خصوص الترناتیو نرخ سود بازار مالی غیررسمی، تناسب دارد؟

پرسش بعدی این است که کاهش یک درصدی نرخ سود سپرده‌های بلندمدت بانکی در سال ۱۳۸۰، چه اثر مثبتی برای بانک‌ها به منظور جذب سپرده‌گذاران داشته است؟ و بالاخره این پرسش مطرح است که در سال‌هایی که نرخ سود واقعی برای سپرده‌گذاران منفی بوده است، چرا نرخ سود متناسب با افزایش نرخ تورم تعدیل (افزایش) نیافته است؟ به عبارت دیگر، چرا زبانی که سپرده‌گذاران در آن سال‌ها به طور ناخواسته متحمل شده‌اند، توسط مقامات ذیصلاح جبران نشده است؟

لازم به ذکر است که در ابتدای سال ۱۳۸۰ شورای پول و اعتبار نرخ‌های سود سپرده‌ها را کاهش داده است و اثرات مثبت و منفی این تصمیم را باید در سال‌های آتی مورد ارزیابی قرار داد.

اما آنچه مسلم است، کاهش دادن نرخ سود نه تنها اثر

و شدت ناهمگونی بازارهای مالی ایران را به نمایش بگذارد. بدیهی است که این عدم همگونی، دلایل زیادی دارد که یکی از آنها پایین بودن نرخ بهره یا سود برای سپرده‌گذاران بانک‌هاست. این مساله باعث می‌شود که آن بخش از سپرده‌گذارانی که مخاطره پذیرند، منابع مالی خود را به بخش غیر رسمی منتقل کنند و لذا در زمان‌هایی که نرخ بهره واقعی بانک‌ها منفی است یا این نرخ مثبت، اما ناکافی است، بازارهای غیر رسمی شدیداً گسترش می‌یابند. انعطاف بازارهای مالی غیررسمی در مورد نرخ بهره و نوع و میزان وثیقه و شرایط بازپرداخت نیز یکی از عوامل مهم گسترش و روی آوری به این بازارهاست، زیرا در این بازارها، نرخ‌ها و شرایط بسیار متنوعی اعمال می‌شود و هر متقاضی - بسته به امکاناتش - می‌تواند ترکیب‌های گوناگونی از نرخ بهره، وثیقه و بازپرداخت را انتخاب کند. عدم نظارت بر مصرف اعتبار، عدم نیاز به آماده‌سازی قبلی پروژه‌ها و عدم نیاز به پنهانکاری نیز از جاذبه‌های مهم بازارهای مالی غیررسمی هستند. بازارهای رسمی ایران گاه شرایط سخت و پرهزینه‌ای را در این موارد اعمال می‌کنند که نرخ‌های بهره پایین را جبران می‌کند. از همه مهمتر، عدم زمان‌بری در بازارهای مالی غیررسمی است که جاذبه شدیدی را برای این بازارها ایجاد می‌کند. امکان فرار مالیاتی نیز یکی از عوامل مهم روی آوری به بازارهای مالی غیر رسمی است. این مساله در کشوری مثل ایران که فاقد سیستم مالیاتی پیشرفته است، تأثیر مهمی برگسترش بازارهای غیر رسمی دارد.

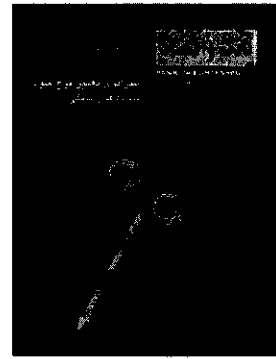
به طور کلی، افزایش تفاوت میان این دو بازار می‌تواند ناشی از مخاطره، کمبود سرمایه (عرضه) و سود انحصاری باشد. در ایران، بسترها و زمینه‌های لازم برای کارکرد و توسعه نظام مالی کارا فراهم نیست. فقدان شفافیت در حقوق مالکیت، وجود مقررات دست و پاگیر و غیرشفاف، نبود مقررات کافی به منظور نظارت و حسابداری و حساب‌پذیری و انضباط مالی، فقدان اطلاعات صحیح و بهنگام در مورد متغیرهای مهم مالی، وجود اغتشاش در نظام قیمت‌ها، از جمله در نرخ سود و فقدان ابزار لازم برای تنظیم مؤثر بازار و همچنین، وجود انحصارات متعدد موجب شده‌اند که نظام مالی نقش کارا در اقتصاد نداشته باشد و در نتیجه، موجب ایجاد مخاطره زیاد برای سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌های معاملاتی فراوان، بازار سیاه مالی و کاهش رقابت و معیارهای رقابتی و عدم توانایی در هم پیوندی با بازارهای جهانی گردیده که در نهایت، موجب عدم حضور فعال

وضعیت نرخ سود واقعی مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار پنج ساله ایران

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
نرخ تورم	۲۰/۷	۲۴/۴	۲۲/۹	۳۵/۲	۴۹/۴	۲۲/۲	۱۷/۳	۲۰	۲۰/۱	۱۲/۶	۱۱/۴
نرخ سود سپرده‌های پنج‌ساله	۱۴	۱۵	۱۶	۱۶	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۱۷/۵
نرخ سود واقعی	-۶/۷	-۹/۴	-۶/۹	-۱۹/۲	-۳/۹	-۴/۷	۱/۲	-۱/۵	-۱/۶۰	۵/۹	۶/۱

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / نماگرهای اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

○ اگر دولت سیاست - های اقتصادی قوی را دنبال می‌کند تا ثبات اقتصادی و تقویت مجدد بخش خصوصی را برقرار نماید، باید دقیقاً بر نظام بانکی نظارت کند تا خطر رفتاری به حداقل برسد.



مثبت نداشت، بلکه به نظر می‌رسد که نتایج منفی هم به دنبال داشته است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۸۰ بدهی بخش عمومی به بانک‌ها شدیداً افزایش یافته، به طوری که در هفت ماهه اول سال ۱۳۸۰ بدهی مزبور به ۲۳/۸ درصد رسیده که عمدتاً از محل فروش اوراق مشارکت بوده است. البته ممکن است این سیاست موجب شود که سیرده‌های بانکی بیشتری به بخش عمومی تخصیص یابد و برعکس، بخش خصوصی محروم شود. در خصوص سهم تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی نیز بیشترین سهم به بخش خدمات و بازرگانی ارایه شده و در عمل ۲۱/۵ درصد کل تسهیلات به این بخش اختصاص یافته است. ضریب فزاینده نقدینگی از ۲/۹۵۲ واحد در پایان سال ۱۳۷۹، به ۳/۴۵۲ واحد افزایش یافته که با توجه به سیاست کاهش نرخ ذخایر قانونی توسط شورای پول و اعتبار در خرداد ۱۳۸۰ که تأثیر زیادی بر ضریب تکاثری پولی داشته، افزایش آن دور از انتظار نمی‌باشد. به هر حال، لازم است که نظام بانکی از طریق بهینه‌سازی تخصیص منابع خود و اعطای تسهیلات به بخش‌های مولد، در جهت افزایش تولید کوشش کند تا اثرات فزاینده نقدینگی جبران شود. اما پرسش اساسی این است که این گام‌ها چگونه باید برداشته شود؟

شاید بهترین توجیه برای سیاست نرخ سود واقعی در کشور همانا اثر کمبود منابع مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باشد. تغییر در نرخ‌های سود بانکی، از نقطه نظر سیاست‌های تعدیل اقتصادی نیز قابل تأمل است. برنامه‌های تعدیل اقتصادی شامل ابزارهایی برای مقابله با تنگناهای تولید و راه‌های گسترش استفاده از منابع است. اصولاً تکانه‌های عرضه که باعث عدم تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل می‌شود، غالباً از طریق اتخاذ سیاست‌های نامناسبی که برای مقابله با تکانه، تقاضای کل را نسبت به نرخ رشد ظرفیت تولیدی اقتصاد گسترش می‌دهد، تشدید می‌شود.

بدیهی است که تعدیل در نرخ سود سپرده‌ها، اثرات مستقیم و مشخصی بر روی سه متغیر کلان نرخ رشد تولید واقعی، نرخ تورم و تراز حساب جاری خواهد داشت. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تلاش در جهت واقعی کردن نرخ سود بانکی نه تنها تورم‌زا نیست، بلکه می‌تواند به عنوان محرکی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و تولید عمل کنند، و همچنین، واقعی کردن نرخ سود بانکی تأثیر افزایش نرخ سود سپرده‌ها بر نرخ ارز را به دنبال خواهد داشت و این امر به معنی آن است که از طریق تعدیل در نرخ سود سپرده‌ها، می‌توان بر نوسانات و رشد نرخ ارز که باعث افزایش ریسک در اقتصاد می‌شود، فایز آمد. کاهش مخاطره اقتصادی نیز - مطابق نتایج حاصله از مطالعات - می‌تواند به کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری مورد نظر سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) بینجامد و از این طریق، خود موجب تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد رشد اقتصادی شود، و در نهایت، کاهش نرخ تورم و تأثیرات مثبت میان مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی و تولید را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، برای بهبود عملکرد نظام

بانکی در تخصیص اعتبارات، چند نکته مهم زیر باید مورد توجه و امان نظر قرار گیرند:

۱- منطقی کردن نرخ سود تسهیلات اعطایی از سوی نظام بانکی، خصوصاً آن دسته از تسهیلاتی که به صورت یارانه‌ای توزیع می‌شوند، از طریق مثبت کردن نرخ تسهیلات، نرخ‌های پایین اعتبار با توجه به شرایط تورمی اقتصاد هزینه خصوصی و تسهیلات را بسیار نازل می‌کند، در صورتی که به خاطر کمبود منابع سرمایه‌ای، هزینه اجتماعی سرمایه در اقتصاد کشور نه تنها پایین نیست، بلکه ارزان بودن اعتبارات برای آن دسته از وام‌گیرندگانی که دسترسی به نظام بانکی دارند، موجب بروز انگیزه برای اسراف در هزینه کردن سرمایه می‌شود.

۲- حذف نرخ‌های متنوع و متعدد برای ارایه اعتبارات بانکی و به کار بردن یک نرخ برای تمام مصارف. در این زمینه لازم به ذکر است که چنانچه دولت تمایل به پرداخت یارانه برای تشویق فعالیت‌های اقتصادی به بخش‌های دارای اولویت داشته باشد، بهتر است که این کمک‌ها به صورت شفاف در بودجه دولت منظور شوند. بدین صورت، بخش‌های مورد نظر کمک‌های مالی را دریافت می‌کنند، بدون آنکه در قیمت‌گذاری اعتبارات ناهنجاری ایجاد شود. همچنین، تبصره‌های تکلیفی که درجه آزادی نظام بانکی برای تخصیص سرمایه را کاهش می‌دهند، بایستی به تدریج حذف شوند و ساز و کارهای بودجه‌ای جانشین آنها شود.

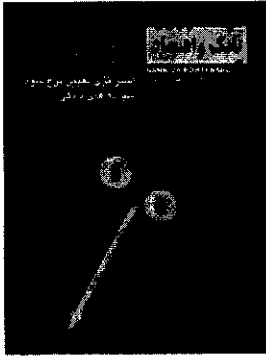
۳- باید توجه داشت که اتخاذ سیاست تعدیل نرخ سود بانکی در جهت افزایش نرخ‌ها، نباید به گونه‌ای باشد که به خصوص شرکت‌ها و بنگاه‌هایی را که فعالیتشان با ریسک پایین همراه است، از گردونه فعالیت‌های اقتصادی خارج کند و در بلندمدت موجب ارایه خدمات بانکی نامطلوب در اقتصاد شود.

۴- از سوی دیگر، بنگاه‌ها و واحدهایی که با ریسک زیاد فعالیت می‌کنند و حاضرند اعتبارات بانکی را با نرخ بالا دریافت نمایند، طبعاً پروژه‌هایشان به علت دارا بودن مخاطره زیاد، انتظار بازده بالاتری را می‌طلبند تا بتوانند سطوح بالاتر پرداخت‌های نرخ سود را پوشش دهد. در این صورت نیز احتمال عدم بازپرداخت وام در موعد سررسید افزایش خواهد یافت و در نتیجه، بسیاری از بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی به اجبار ورشکسته خواهند شد.

۵- در کشورهایی که با نرخ پایین تورم مواجهند، اتخاذ یک برنامه تدریجی تعدیل نرخ سود که نرخ‌های واقعی مثبت را حفظ می‌کند، می‌تواند اجرا شود، به شرط آنکه نظارت بانکی قوی و مؤثر اعمال شود و مدیریت تقاضا و سیاست‌های دیگر برای حفظ ثبات اقتصادی مناسب باشند.

۶- در کشورهایی که با نرخ تورم بالا مواجهند، یک برنامه تثبیت معتبر و قوی و یک مجموعه مقررات احتیاطی قوی عموماً بهترین اقدامات سیاستی اولیه است. به تعویق انداختن حذف مقررات مربوط به نرخ‌های سود تا موقتی که وضعیت پولی تثبیت شده و نظارت بانکی تقویت شود، می‌تواند مناسب باشد.

○ امکان قرار مالیاتی،
آنهم در کشوری مثل
ایران که فاقد سیستم
مسئله‌ای پیشرفته
است، یکی از عوامل
سهم روی آوری به
بازارهای غیررسمی
است.



۴) پیش‌نویس گزارش بانک جهانی پیرامون بازار پول و سرمایه در ایران / ترجمه حسن مهدی‌زاده / مجله تدبیر / شماره ۴۲ / خرداد ۱۳۷۳.
 ۵) سام دلیری، یونس / موانع و مشکلات بازارهای مالی در ایران / نامه اتاق بازرگانی / شهریور ماه ۱۳۷۸.

6) Financial Liberalization in Developing Countries/ Michael Dooley & Donald Mathieson/ Finance & Development/ September 1987.

7) Mirakhor' Abbas and Villanueva' Delano/ Interest Rate Policies in Developing Countries/ IMF & WB/ Finance & Development/ Vol. 30/ No. 4/ Dec. 1993.

۸) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / نماگرهای اقتصادی / شماره‌های مختلف.

۹) تحلیلی بر لزوم افزایش نرخ‌های سود بانکی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اداره بررسی‌های اقتصادی / دایره پولی و بانکی / بهمن ماه ۱۳۷۸.

۱۰) دکتر کشورزاده، محمد / روزنامه صبح امروز / دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۷۷.

۱۱) قوانین بودجه سنوات مختلف.

۱۲) دکتر طیبیان، محمد / بررسی کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی / روزنامه نوروز / یکشنبه ۴ آذر ۱۳۸۰.

۱۳) گزارش مرحله اول فعالیت‌های نظام برنامه‌ریزی، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور / ویرایش سوم / دبیرخانه ستاد برنامه / اسفند ۱۳۷۷.

۱۴) دکتر نیلی، مسعود / کاهش نرخ سود، منابع بانکی را کاهش می‌دهد / همشهری اقتصادی / آبان ۱۳۸۰.

۷- شایسته است که ما قانونمند کردن و ایجاد و گسترش موسسات اعتباری غیر بانکی، زمینه برای رقابت بیشتر در بازار مالی ایجاد شود که خود می‌تواند به کارایی بازار پول و سرمایه کمک قابل توجهی بنماید.

۸- و بالاخره اینکه، لازم است که با به کارگیری ابزارهای پولی مناسب، موانع موجود در مسیر سپرده‌گذاری افراد، خانوارها و بنگاه‌ها حتی المقدور مرتفع شود و زمینه‌های تشویق آنها بیش از پیش فراهم آید.

زیرنویس

۱) لازم به توضیح است که نرخ تورم اعلام شده، نرخ تغییرات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی است و تغییرات قیمت کالاها دایمی و بادوام را شامل نمی‌شود. به عبارت دیگر، نرخ تورم دارایی‌ها مانند زمین و مسکن و ... بالاتر از نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی می‌باشد. طبیعتاً نرخ سود سپرده‌های بانکی با تغییرات قیمت تورم دارایی‌ها و کالاها دایمی مقایسه می‌شود و در نتیجه، نرخ سودهای فعلی اصلاً توجه منطقی نخواهند داشت.

منابع و مآخذ

۱) دکتر رناتی، محسن / بازار و نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران / سازمان برنامه و بودجه / چاپ اول / تهران / ۱۳۷۶.
 ۲) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور / گزارش کلان لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ / آذر ۱۳۸۰.
 ۳) پیشنهاد خطوط اساسی سیاست‌های اقتصادی کشور / سازمان برنامه و بودجه / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / فروردین ۱۳۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نرخ بهره و ارزش حال

درصد، بتوانیم در سال آینده ۱۰۰ تومان دریافت کنیم؟ جواب $95/23 \times 100 = x(1 + 0.05)$ که از حل این معادله $x = 95/23$ می‌شود، یعنی امروز باید $95/23$ تومان پس‌انداز کنیم تا در سال آینده وقتی نرخ سود ۵ درصد است، اصل پول $(95/23)$ با میزان سود $(95/23 \times 0.05 = 4/76)$ جمع شود و حاصل برابر ۱۰۰ تومان بشود.

حال اگر ۱۰۰ تومان امروز را سرمایه‌گذاری کنیم و سود متعلق به آن در سال آینده هم مجدداً سرمایه‌گذاری شود، در بلندمدت چه اتفاقی می‌افتد؟

۱۰۰ تومان امروز، با ارزش‌تر از ۱۰۰ تومانی است که شما در سال آینده دریافت می‌کنید. چرا؟ زیرا شما می‌توانید ۱۰۰ تومان امروز را در بانک پس‌انداز کنید تا به آن سود تعلق گیرد. پس اگر نرخ سود ۵ درصد باشد، شما در سال آینده ۱۰۵ تومان دریافت می‌کنید. بر این اساس، ۱۰۵ تومان سال آینده، ارزش ۱۰۰ تومان امروز را دارد.

حال بگویید که ارزش امروز ۱۰۰ تومان آینده چقدر است؟ به بیان دیگر، امروز چقدر باید پس‌انداز کنیم تا در نرخ سود ۵

○ کاهش یک درصدی نرخ سود سپرده‌های بلندمدت بانکی در سال ۱۳۸۰، از لحاظ جذب سپرده‌گذاران در بانک‌ها چه اثر مثبتی داشته است؟